

اطلاعیه پایانی پلنوم سی و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲



دولت مسول معیشت کارگران است!

پرداخت فوری حقوق معوقه سه ماه گذشته خود به عنوان پیش شرط راه افتادن تولید شدند. به این ترتیب اعتصاب کارگران بعد از گذشت ۲۸ روز با تن ندادن کارفرما و مقامات دولتی به خواسته‌های آنها کماکان ادامه دارد.

در حین این اعتصاب مراکز امنیتی جمهوری اسلامی در ساوه شنبه ۲۶ اردیبهشت شاپور احسانی راد از کارگران بازنشسته پروفیل ساوه را به بهانه تحریک کارگران لوله سازی صفا دستگیر کرده اند. کارگران صفا بعد از این ماجرا طی طوماری که تا کنون به امضای ۴۰۰ نفر رسیده است، علاوه بر خواست آزادی شاپور احسانی راد، بر مطالبات خود تاکید کرده و اعمال کارفرما را شرم آور و "دزدی از دسترنج و دستمزد و سفره کارگران" نام گذاشتند. همزمان اعتراضات کارگری در کارخانه لوله سازی خوزستان بدلیل عدم پرداخت دستمزدها از شهریور ۹۳ و برخورد توهین آمیز کارفرما به کارگران و اخراج بیش از ۸۰ نفر از آنها و همزمان احضار و محاکمه تعدادی از کارگران با تجربه این مرکز به نام "آشوبگر" و به جرم اختلال در تولید و... در جریان است. طبق خبرها، کارگران این مرکز برای پیگیری مطالبات خود تا کنون با دادستان، فرمانداری، استانداری، اداره کل صنایع، اداره کل کار و نمایندگان خوزستان در مجلس شورای اسلامی مکاتبه داشته اند ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

حکمتیست ۶۳

۱۸ مه ۲۰۱۵ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

اصطبل آرمانهای "بی آزار"!



فواد عبداللهی

در روزهای پایانی اردیبهشت ماه در تهران، آنگاه که گل‌های سفید و ارغوانی در شکاف دیوارها روییده اند، جیرجیرک‌ها میخوانند و شاپرک‌ها در هوا غلت می‌زنند، همزمان اسید روحانی ریس جمهور دولت "اعتدال و تدبیر" نیز با صیانت نفس و عیای ابریشمی که به تن اش زار میزند، رویت میشود و از حال و آینده بی آزار و خوشخیم جمهوری اسلامی میگوید: "اسلام یعنی صداقت، برادری، مدارا، دست هم را گرفتن و طرد افراط و خشونت... قرآن از ما می‌خواهد که در جامعه اثری از استبداد نباشد و جامعه سرشار از عدل و قسط و اعتدال باشد..."

نظام جمهوری اسلامی، تمام اشکال یک جمهوری متعفن بورژوازی را در خود دارد؛ چه زمانی که مامور به خاک و خون کشیدن یک انقلاب توده‌ای عظیم علیه بساط سلطنت بود و چه امروز که ارزش مصرف ایدولوژیک اش نم کشیده و ظاهراً ژست خوشخیم بخود گرفته است. حقیقت اینست که سناریوی اسلام سیاسی توسط تلاش همه جانبه بورژوازی داخلی و بین المللی در دوران جنگ سرد و برای مقابله با نفوذ شوروی و خطر کمونیسم، در رقابت بر سر ایران بعنوان مهمترین پایگاه نفوذ غرب، و برای به خون کشیده شدن انقلاب همگانی ۵۷ شکل گرفت.

جمهوری اسلامی برای بورژوازی تنها آلترناتیو ممکن و دم دستی بود در مقابل میلیونها مردمی که برای آزادی، برابری و رفاه انقلاب کرده بودند؛ طرح مناسب و درخوری که با تحویل گرفتن ماشین دولتی حکومت شاه، و تکمیل آن با توحش اسلامی، پاسخ به یک نیاز مقطعی و حیاتی بورژوازی را در آستین داشت: سرکوب انقلاب و طبقه کارگر با چاشنی یک دیکتاتوری خشن بورژوازی! سلاخی بی رحمانه و بی سابقه آن انقلاب، کشتار گسترده مردم و قتل عام کمونیست‌ها و آزادیخواهان، بدون سپرن سکان این سرکوب به دست اسلام سیاسی و در راس آن خمینی ممکن نبود. چتر استبداد و ارتجاع ضد انقلاب بورژوا - امپریالیستی بر جامعه گسترانده شد و انقلابیون را به چوبه دار و میدانهای تیر کشاند. به جرات میتوان گفت که در این مملکت تنها حکومتی که از لحاظ توحش با جمهوری اسلامی قابل قیاس بوده، حکومت آقا محمد خان قاجار است که کرمان را تبدیل به شهر "کوران" کرد و از چشم مردم تسبیح ساخت. ... صفحه ۳

اطلاعیه پایانی پلنوم سی و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم سی و چهارم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ مه ۲۰۱۵ (۱۹ و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی برگزار شد.

پلنوم پس از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم رسماً شروع به کار کرده و وارد دستور شد.

دستور جلسات پلنوم عبارت بودند از:

- گزارش کمیته رهبری
- اوضاع سیاسی ایران، بحث پیرامون قطعنامه کمیته رهبری حزب
- کنگره هشتم حزب حکمتیست
- انتخابات

گزارش به پلنوم توسط آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب ارائه شد. ایشان بر متن تصویری عمومی از اوضاع متحول امروز و موقعیت جریانات سیاسی و اپوزیسیون ضمن اشاره به موقعیت حزب حکمتیست در صف مبارزه برای آزادی و برابری در جامعه ایران، و مصافه‌های آتی طبقه کارگر و کمونیسم در تقابل با بورژوازی و تعرض جمهوری اسلامی به معیشت کارگران و توده‌های محروم جامعه، گزارش مشروحی از عرصه‌های مختلف فعالیت حزب در

فاصله پلنوم سی و سوم تا مقطع فعلی را به پلنوم عرضه کرد.

اعضا کمیته مرکزی با شرکت فعال خود در مبحث گزارش بخصوص در ارتباط با موقعیت کنونی کمونیسم و حزب حکمتیست فعالیت‌های حزب در عرصه‌های مختلف، را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. پلنوم ضمن تائید پیشروی‌های حزب حکمتیست بر ضرورت تعجیل بیشتر در آماده کردن حزب و طبقه کارگر برای جدال‌های آتی تاکید داشت.

در مبحث "اوضاع سیاسی ایران"، آذر مدرسی ضمن معرفی قطعنامه کمیته رهبری حزب به مولفه‌های اصلی اوضاع سیاسی ایران پس از توافقات لوزان، صفتی جدید سیاسی طبقاتی، توازن قوای میان جمهوری اسلامی و مردم و مصافه‌های پیش روی طبقه کارگر و توده وسیع مردم محروم و حزب حکمتیست پرداخت. وی ضمن اشاره به بی‌افقی بخش اعظم اپوزیسیون، به پولاریزاسیون سیاسی در جامعه و نیروهای سیاسی، به مختصات تقابل جنبش‌های اصلی بورژوازی و طبقه کارگر بر سر آینده جامعه، بر نقش و وزن طبقه کارگر و کمونیسم آن بعنوان تنها آلترناتیو رادیکال و انقلابی جامعه بر تلاش برای تقویت کمونیسم در جنبش کارگری، در تقابلهای آتی مردم با

بورژوازی حاکم و برای پیروزی انقلاب کارگری تاکید کرد.

اعضا کمیته مرکزی ضمن پرداختن به جنبه‌های مختلف این بحث و تاکید بر جهت‌گیری درست حزب در این دوره، به جنبه‌های عملی‌تر و سیاست‌های منتج از قطعنامه کمیته رهبری و پروژه‌هایی که حزب حکمتیست باید دنبال کند پرداختند. پلنوم قطعنامه کمیته رهبری حزب "توافقات ایران و امریکا، ریشه‌ها و دورنما" را به اتفاق آرا تصویب کرد و جنبه‌های عملی‌تر کار حزب و تدقیق سیاست‌های دوره‌ای و پروژه‌های حزب بر اساس قطعنامه را به کمیته رهبری منتخب خود سپرد.

در دستور کنگره خالد حاج محمدی تصمیم کمیته رهبری مبنی بر برگزاری کنگره هشتم، تدارک و زمان آنرا به اطلاع پلنوم رساند. پلنوم ضمن توافق با برگزاری کنگره حزب، تاریخ برگزاری پیشنهادی کمیته رهبری را به اتفاق آرا تائید کرد.

در بند انتخابات، پلنوم ابتدا آذر مدرسی را به عنوان دبیر کمیته مرکزی و امان کفا بعنوان معاون دبیر ابقا کرد. سپس رفقا امان کفا، ثریا شهبانی، خالد حاج محمدی، فواد عبداللهی همراه با دبیر کمیته مرکزی را بعنوان کمیته رهبری در پست خود ابقا کرد.

در جوار پلنوم دو سمینار با عناوین "اوضاع سیاسی ایران در سایه اعتصاب معلمان و اعتصابات کارگری" توسط رفقا مصطفی

اسدپور و مظفر محمدی و سمینار "آینده اقتصادی جمهوری اسلامی" توسط رفیق امان کفا برگزار شد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
۱۲ مه ۲۰۱۵ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴)

رادینینا

Radio Neena

رادینو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادینو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat
HOTBIRD 13A 13°
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130

حکمتیست، مستقیماً را بخوانید و آنرا تکثیر و پخش کنید.
حکمتیست را بدست کارگران برسانید!

از صفحه ویژه سایت حزب دیدن کنید:

شکاف غرب و جمهوری اسلامی، "بحران هسته‌ای"

<http://hekmatist.com/vizheh%20hasteyee.html>



اصطبل آرمانهای ...

اما علیرغم عظمت انقلاب ۵۷، یک واقعیت در مقابل همه کسانی قرار دارد که هنوز وفاداری خود را به اهداف عمومی این انقلاب از دست نداده اند. این انقلاب شکست خورد و این شکست با خود یکی از مرتجع ترین، ضد کارگري ترین، ضد انسانی ترین و فاسدترین رژیم های سیاسی نیم قرن اخیر را به قدرت رساند. رژیمی که به دروغ، همواره به نام انقلاب، خود را وارث آن معرفی میکند و از "طرد افراط و خشونت و استبداد" دم می زند.

الگوی اسلام سیاسی اما تنها به داخل مرزهای ایران محدود نماند. تجدید حیات چنین ارتجاعی در منطقه، صدور انقلاب اسلامی خمینی، سیاست تسلیح و تقویت جریانات اسلامی، بدون حمایت های بی دریغ غرب میسر نبود. سناریو از قبل توسط بورژوازی غرب و حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها جهت تحکیم موقعیت سرمایه داری غرب در مقابل رقیب شرقی خود چیده شده بود: بیرون آوردن یکی از کثیف ترین ایدئولوژی های مذهبی از سیاهچاله تاریخ، بمنظور ایجاد دژی مستحکم مقابل قدرت گیری کارگر و "خطر سرخ" در ایران و سدی در مقابل قطب شرقی! پربراه نیست اگر گفته باشیم اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در راس آن با چنین قابلیت، ابزار ویژه و مناسب امپریالیسم غرب در اوضاع بحرانی منطقه در یک دوره تاریخی معین بوده است. اما اگر سرکوب کامل انقلاب ۵۷ در ایران و تقویت جریانات اسلام سیاسی در منطقه، به تحکیم استراتژی سیاسی بورژوازی غرب در مقابل شرق انجامید، با فرجام این روند با اضمحلال جهان تک قطبی به سرکردگی آمریکا و تقسیم مجدد جهان بین قدرتهای امپریالیستی، امروز ستون اصلی و ایدئولوژیک اسلام سیاسی یعنی جمهوری اسلامی نیز ترک برداشته و

اسلامیت اش در خنس است. اسلام سیاسی بازیگران و قطب های ویژه تری پیدا کرده که تمام قد در برابر دولت و منافع بورژوازی ایران در منطقه ایستاده اند.

حقیقت اینست که قدرت گیری جمهوری اسلامی و به دنبال آن گسترش جنیش اسلامی در منطقه هرچند به ایجاد یک صف متحد، یکدست و قدرتمند اسلامی منجر نشد، اما نشان داد که حربه مذهب و بطور اخص اسلام برای حل و فصل اختلافات بورژوازی محلی و بین المللی چقدر کارساز است. بخش هایی از بورژوازی عرب در مقابل ایران و سایر رقبای منطقه ای هم اکنون در حوزه خلیج با پرچم اسلام سنی (داعش) قد علم کرده و خر خود را می رانند. از سوی دیگر، نیاز کل بورژوازی ایران به وجود حاکمیت مناسب و کارآمد خود، به تغییر و تحول جمهوری اسلامی از شکل ضروری حاکمیت سیاسی سرمایه در برابر انقلاب و برای سرکوب آن، با کش و قوس های زیاد در طول این سه دهه، به شکل مطلوب و ممکن حاکمیت سیاسی بخش اعظم بورژوازی در قامت جمهوری اسلامی انجامیده است. اسلامیت این جمهوری، در برخورد به تنه واقعیت های اجتناب ناپذیر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با تناقض پالایش خود از ایدئولوژی اش و شیفت کردن به یک حکومت متعارف بورژوایی روبرو شده است.

تمکین به این واقعیت را در فریز کردن شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "فتح کربلا" و صدور انقلاب اسلامی باید دید؛ امروز، علم کردن پرچم "گشایش سیاسی و اقتصادی"، "ضرورت بازسازی اقتصاد" و "توسعه اقتصادی" و ... در ایران، قرار است این جمهوری آسمانی را زمینی کند. با کنار رفتن پرده سنگین ژورنالیسمی که به نحوی سازمانیافته حقایق سه دهه زندگی مردم زیر سلطه جمهوری اسلامی را پنهان می کرد، معلوم شد که این جامعه هویت اسلامی به خود نمی پذیرد. بر اساس این فاکتورها، ایدئولوژی اسلامی در حاکمیت امروز

بورژوازی ایران و در خود جمهوری اسلامی تضعیف گشته و گماس گماس به حاشیه رانده میشود.

جمهوری اسلامی ایران، نمونه بارز شکست ایدئولوژی اسلامی است. به اعتبار همه آنچه گذشت، امروز دیگر صحبتی از صدور انقلاب اسلامی و تلاش برای اتحاد "امت اسلامی" در کار نیست. آنچه هست تکاپو در راه تسخیر مکانی لایق و درخور در تقسیم کار جهانی به مثابه یک قدرت سرمایه داری منطقه ای است. بورژوازی ایران و جهان در طی این سالها به تدریج فهمیدند، که تنها شکل ممکن حاکمیت اجتماعی و طبقاتی آنها و کل سرمایه در ایران، همین جمهوری است. دلسوزترین، خانه دارترین و نجیب ترین مادر فرزندان اش! امروز جمهوری اسلامی در کارزار جا انداختن خود به عنوان حاکمیت رسمی سرمایه در ایران، و بویژه در ژست "اسلام خوشخیم" و متحد استراتژیک حفاظت از منافع غرب در منطقه، ایدئولوژی و آرمان های ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی را در زادخانه خود گنجانده است. دخالت در عراق و یمن و سوریه و تغذیه دستجات سپاه صدر و حزب الله و حماس و حوثی نه به خاطر باور ایدئولوژیک به اسلام بلکه به دلیل تلاش برای احراز یک موقعیت ممتاز در نظام سرمایه داری جهانی و سهم خواهی بورژوازی ایران از آن است. اینها اهرم فشار ایدئولوژی جمهوری اسلامی برای فشار به رقبای منطقه ای در جنگ بر سر منافع سیاسی و اقتصادی است. عروج دولت اعتدال و ظهور روحانی، بالماسکه این پرده برداری است. بورژوازی ایران تا آنجا که خمینی، خلخال، خامنه ای، رفسنجانی و خیل رهبران جنبش اسلامی در سیاست و اقتصاد و ایدئولوژی نیاز داشت که به نقطه تلاقی امروز اش با غرب برسد. اینها سه دهه قمه کشی و اسیدپاشی "انقلابی" و حکم جهاد، سه دهه صدور باندهای ترور مخالفینشان را در راه بازگشت به کلوپ "جامعه جهانی" به اجرا گذاشته اند و خیلی هم راضی اند. اسلام و اسلامیت اینها وسیله ای برای سرکوب یک انقلاب بود؛ امروز که ماموریت اسلامی و آرمانی این رژیم در به

شکست کشاندن انقلاب ۵۷ تمام شده، زمان بازگشت به سوی غرب است. ابزار کهنه دیروز، امروز کارایی ندارند؛ بویژه بعد از قلدری القاعده و داعش این را خود خامنه ای بهتر از همه فهمیده که باید "نرمش قهرمانانه" بخرج داد. شانس آرمان "اسلامیت" این رژیم سوخته است. شوق خمینی به "امپراتوری اسلام" به همان جایی رفت که قبل از آن آرزوی "خلافت اسلامی" امثال سید جمال الدین اسدآبادی ها رفته بود؛ به زباله دانی تاریخ!

بدین اعتبار، تمام گرایشات و لایه های غش کرده بورژوازی ایران از خارج تا داخل در ته این زباله دان در جستجوی همزیستی با رفسنجانی ها، خامنه ای ها و روحانی ها هستند. روشنفران و ادیبان این طبقه، خود را از شر هر گونه وسوسه تحول و مدرنیته خلاص کرده اند و در فضای ناسیونالیستی و میهن پرستی تنفس می کنند. اما دهها میلیون زن و جوانی که قالب های تنگ "امت اسلام" و "هم میهن ایرانی" را بر نمیتابند، نیروی عظیم طبقه کارگری که تولید و بازتولید زندگی مادی جامعه به کار او زنده است، انتظاراتی پس عظیمتر از حتی انتظارات انقلاب ۵۷ دارد. فقط سنن و گرایشات طبقه حاکم که در حفظ دنیای کهن ذینفعند، میخواهند جامعه به همین جمهوری اسلامی شرکا رضایت دهد. فقط کوچک ابدال هایی که زندگی و حماقت ها و شکست های شخصی خود را به جای تاریخ می گیرند، خیال میکنند جامعه خواهان تحول در ابعاد کلان نیست و به پیشرفت نیم میلیمتری رضایت خواهد داد. اما از نقطه نظر طبقه کارگر، استحاله بورژوازی ایران و دولت اش قسطنطینی است؛ فکاهی است؛ انگشت نما است؛ آرمان های بورژوایی مصرف شده ای است که بر تل خاکستر یک انقلاب عظیم توده ای میدان دار شد و با قلع و قمع کامل آن اکنون ظاهراً خاموش شده است. اوضاع امروز حتماً قدرت را در دل لندهورهای "VIP" آب میکند؛ همانها که با نشمه ها و مباشرها در آبهای آزاد قایق سواری می کنند و به سلامتی عظمت ایران و میهن پرگهر آواز می خوانند... ←

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

مراجعه کرده، طومار و نامه نوشته اند، مستقیماً از طریق نمایندگان خود صحبت کرده اند و هنوز هم جوابی نگرفته اند. تجربه همین مدت کارگران این مراکز باید نشان داده باشد که کل دستگاه حاکمه از مجلس و نمایندگانش تا مراجع دولتی محلی تا حراست و پلیس و مراکز امنیتی، همگی بخشی از دستگاه دفاع از کارفرمایان و علیه طبقه کارگر اند. در تمام این تحركات بر حق کارگری نوک حمله کارفرما به کمک پلیس و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی سینه نمایندگان کارگران و کارگران هوشیار و معترض را نشانه گرفته است. آنها علاوه بر اینکه دستمزد کارگران را در کیسه خود کرده اند، اخراج و بیکاری و گرو گرفتن نان شب کارگران را همراه با تهدید و احضار و محاکمه و زندان در مقابل کارگران و خصوصاً کارگران آگاه و نمایندگان آنان قرار داده اند تا هر نوع حق طلبی و اتحاد کارگری را در نطفه خفه کنند.

در تمام این اعتراضات و در همه اعتراضات کارگری تا کنون، حربه اخراج و ترس از بیکاری به عنوان برا ترین ابزار در کنار تهدید و ارعاب و محاکمه کارگران آگاه، علیه اعتراضات کارگری بدست گرفته شده است. وجود میلیونها کارگر بیکار و افزایش هر روزه دامنه بیکاری در این جامعه، هر نوع

امنیت شغلی را از کل طبقه کارگر سلب کرده است. کارفرما و دولت از این معضل به عنوان ابزاری برای دامن زدن به وسیعترین انشقاق در میان کارگران استفاده کرده اند. طبقه کارگر در مقابل این حربه در سراسر ایران و در هر تک اعتراض کارگری راهی ندارد جز بلند کردن خواست و مطالبه بیمه بیکاری مکفی به عنوان خواست سراسری کل طبقه کارگر. مخاطب کارگران در این زمینه دولت جمهوری اسلامی است. تا زمانی که مطالبه بیمه بیکاری مکفی به عنوان یک مطالبه سراسری از جانب کارگران با شاغل و بیکار بلند نشده است، از این ابزار علیه هر نوع اعتراض و اتحاد کارگری استفاده میشود.

توجیه دائمی کارفرمایان این مراکز، نداشتن پول برای پرداخت دستمزد کارگران است. "کارخانه سود نمیدهد"، "مواد اولیه نیست"، "واردات کالای خارجی مانع فروش تولیدات است" و ... بهانه های دائمی سرمایه داران و دولت برای ساکت کردن کارگران و تن دادن آنها به بردگی بیشتر است. فردا ممکن است دهها مرکز تولیدی در رقابت میان سرمایه داران ورشکست و مراکز قوی تر و سرمایه های بزرگتر جای آنها را بگیرند، یا بدلیل عدم سود دهی مرکزی بسته و سرمایه به جای پر سودتری انتقال یابد، این قانون رقابت در دنیای سرمایه داری است که روزانه در سراسر جهان شاهد آنیم. معضل بورژوازی ورشکست شده در رقابت با بورژوازی بزرگتر و ناتوانی اش در رقابت با سرمایه های بزرگتر و ... مشکلات ناشی از

رقابت بخشهای مختلف بورژوازی، معضل ما استثمار شوندگان کلیت این طبقه نیست! معضل کارفرمای ورشکسته و باخته به سرمایه بزرگتر معضل ما کارگران نیست. همانطور که بالا رفتن سوددهی بورژوازی به معنی بهبود زندگی ما نیست عدم سود دهی اش نباید به معنی تحمیل فقر بیشتر به زندگی ما و خانواده مان باشد.

به ما میگویند تحمل وضع اقتصاد مملکت خوب نیست، کسری بودجه داریم، و ... معلوم نیست چرا علیرغم بدهی های بالای دولت و کسری بودجه حقوق وکلای و وزرای مجلس و ... به تعویق نمی افتد؟ ما میگوئیم دولت مسئول تامین معیشت ما است! با وجود کار یا بدون آن. دولت موظف است زندگی انسانی با استاندارد امروز را برای همه شهروندان جامعه تامین و تضمین کند. این حداقل وظیفه هر دولتی است. زمانی که روسای دولت و مجلس و قوه قضائیه و بقیه سران ریز و درشت اسم حقوق معوقه را شنیدند و حقوقهایشان بدلیل بی پولی پرداخت نشد، آزمون ما هم میتوانیم کوتاه بیاییم و تحمل کنیم! وضعیت نابسامان معیشت اکثریت این جامعه و دورنمای تاریکی که در مقابل ما میگذاردن پوچی هیاهوی صف طویل سرمایه داران خارجی برای رونق دادن به اقتصاد را نشان میدهد. حتی اگر سرمایه ها به ایران سرازیر شوند و رشد اقتصادی ایران بسیار بالا برود و توان رقابت کالای ایرانی در بازار از چین و تایوان و ... بیشتر شود، وضع طبقه کارگر و معیشت و امنیت شغلی آن بهتر نخواهد شد. لذا امید به آینده بهبود

اقتصادی جواب سرمایه و دولت اعتدال آن برای سر دواندن ماست و نه راه حل بیکاری، فقر و محرومیت.

کارگران نورد و لوله سازی و پتروشیمی و خوردرو سازی و ... هیچ ابزاری برای تحقق مطالبات خود ندارند جز اتحاد خود کارگران، جز طلب حمایت از همکاران خود در سایر رشته و مراکز کارگری و جز جلب حمایت خانواده های خود و مردم شرافتمند در شهرهای محل اعتصاب. هر نوع چشم دوختن به مجلس نشینان و مقامات ریز و درشت حکومتی جز توهم و سردواندن کارگران و خسته کردن آنها و لطمه زدن به اتحاد کارگران نتیجه ای ندارد. تجارب همین مدت کارگران این مراکز، تجربه کارگران معدن بافق میتواند سرمشق هر تحركات کارگری باشد.

قرار است دولت اعتدال به قیمت تعرض بیشتر به ما جامعه ایران را برای سرمایه داران و "سودآوری" بیشتر سرمایه آماده کند. این تنها به قیمت تباهی بیشتر ما، به قیمت فقر و بیحقوقی بیشتر و استبداد بیشتر برای ما ممکن است. در این راه جز اتحاد کارگری و جز حمایت و همبستگی صفوف کارگران، جز حفاظت از رهبران و نمایندگان خود در مقابل تعرض به آنها راهی در مقابل طبقه کارگر نیست.

هر نوع موفقیت در مبارزات کارگران این مراکز از نورد صفا و لوله سازی خوزستان تا کارگران قطار شهری اهوز در گرو حمایت از همدیگر و جلب حمایت هم طبقه ای های خود و مردم شرافتمند جامعه در مقابل کارفرما و دولت آنها است.



این شرایط قطعاً به مذاق کردگن ها و کارچاق کن های سرمایه دار که با دستان پر و جیب گشاد عزم بازگشت به وطن دارند، خوش آید. اما، پیش شرط چنین استحالته ای تحمیل استبداد شدید دولت و گله بورژوازی بر علیه طبقه کارگر ایران است. بازگشت به کلوق "جهان متمدن" نیازمند دولتی است که با سفت کردن کمر بندش، با مختصات ضد کارگری و ضد کمونیستی که با توسل به هر وسیله ممکن، از ناسیونالیسم و مذهب و استراق سمع و باتون و تفنگ، بدون تعارف از اصول دموکراسی بورژوایی، از نظام سرمایه داری و سودآوری سرمایه دفاع کند و بار بحران

سرمایه جهانی را در اشکال فقر و فلاکت و بیکاری بر کرده کارگران بیاندازد. مشاهده سیمای کریه بورژوازی ایران و دولت اعتدال در آینه جهانی یک دولت سرمایه داری در قرن بیست و یکم کار دشواری نیست. بورژوازی ایران ثابت کرده که هرگاه منافع اش بخطر افتد، بموقع بشکل یک ارکستر همونواز در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه می ایستد. اگر چیزی وجه مشترک تمام لایه های بورژوازی ایران است، اراده آنها بر محصور کردن مبارزات و مطالبات کارگری و به تبع آن دخالت مستقل این طبقه در امر سیاست و تحزب کمونیستی است. بی حقوقی سیاسی، اقتصادی و

شرایط شدید استثمار کارگر و زحمتکش جامعه ایران ادامه خواهد داشت. برای طبقه کارگر تنها ارزش پوست انداختن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، شفافیت یافتن بیشتر صف مبارزه طبقاتی در ایران است. برای طبقه کارگر دورانی است که بوی گند آپارتاید و شکاف طبقاتی همه جا را گرفته است؛ زمانی است که فلاکت و بیکاری به استخوان اش زده؛ دورانی است که اتحاد کل بورژوازی ایران و موقعیت بالادست سرمایه داران ایرانی از مکلاهای متجدد تا آیت الله های میلیارد ر را در کمیته مشترکی تحت نام دولت اعتدال ببینند، و دست بکار تدارک و سازماندهی انقلاب کارگری علیه اردوی سرمایه

شود. پاپ، دالایی لاما، خمینی، خامنه ای، روحانی، ملا عمر طالبان، الشباب، بوکوحرام، القاعده و البغدادی و ... همه به یک آخور بسته شده اند؛ ارتجاع سرمایه داری!

برای پاک کردن این اصطبل طبقه کارگر بیش از نان شب به انقلاب کارگری نیاز دارد.

شبکه های خبر حکمت

حکمت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com